

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صد و بیست و نهم قرمز

نویسنده: قاسم خوش سیما

سرشناسنامه	:	خوش سیما، قاسم، ۱۳۵۵.
عنوان و نام پدیدآور	:	صد و بیست ثانیه قرمز / نویسنده قاسم خوش سیما.
مشخصات نشر	:	رشت: بازرگان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۳۱۳ ص.
شابک	:	۶۰۰۰ ریال: ۵-۸۶-۸۴۳۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستان‌های فارسی - - قرن ۱۴
ردد بندی کنگره	:	۱۳۹۰ ص ۵۸۶ و / PIRA۰۲۰
ردد بندی دیویی	:	۶۲ / ۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۶۱۸۱۷۵



انتشارات بازرگان

صندوق پستی ۳۴۵۷-۴۱۶۳۵

رشت - خیابان سعدی - کوچه پورنقاشیان - بن بست سوم - پلاک ۶۱ - تلفن: ۲۲۴۳۶۳۴

نام کتاب: صد و بیست ثانیه قرمز

مؤلف: قاسم خوش سیما

ناشر: انتشارات بازرگان

ویراستار: مریم احمدی

بازنگری متن: نسیم عبدالحسین زاده

طراح جلد: طاهر ارادتمند اصلی

چاپ اول: ۱۳۹۱ - تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه - قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

حروفچینی و صفحه آرایی: هنر و اندیشه

شابک: ۵-۸۶-۸۴۳۱-۹۶۴-۹۷۸

اجرا و مرکز پخش: کانون آگاهی تبلیغاتی معین

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

یا ایها الذین امنوا کلو من طیبات ما رزقناکم
واشکروا لله ان کنتم ایاه تعبدون.

ای اهل ایمان روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما
کرده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آرید اگر شما
خالص خدا را می‌پرستید. آیه ۱۷۲ از سوره بقره



فهرست

۷	فصل ۱
۳۹	فصل ۲
۷۹	فصل ۳
۱۰۹	فصل ۴
۱۳۵	فصل ۵
۱۶۷	فصل ۶
۲۰۱	فصل ۷
۲۴۱	فصل ۸
۳۰۱	فصل ۹
۳۴۱	فصل ۱۰

مقدمه

چراغ قرمز شاید برای خیلی از افراد جامعه زمان مرده‌ای به شمار آید. زمان راکدی که برای سواره‌های روزگار، حصاری نمادین است و جا مانده‌ها از اسب مراد فرصتی دارند که به سرعت از نقطه مقابل، یعنی چراغ سبز گذر کنند تا اسب مراد دیگران بر آنها حیف‌تک بیندازد. چراغ قرمز فرصتی مغتنم برای کسانی است که فرصت را از آنها گرفته‌اند و امروزه هر کاری کنند باز هم جایگاهی در اجتماع ندارند. تکیه کنند کلاه بردارند، موسیقی آنها مبتذل است، اسپند شان بوی بد می‌دهد، گل شان زیبا نیست و روزنامه شان چرت و پرت می‌نویسد.

همه حق دارند در موردشان حرف بزنند و آنها را کولی، افغانی، بی‌عرضه، شیاد و ... بنامند. غافل از آنکه همه آنها لاف‌زن انسان هستند و اگر امروز بر کوخ نداری یا فطرت پست ارتزاق می‌کنند شاید (ما) کاخشان را ویران کرده باشیم. بازاریان - دست فروشان - پشت چراغهای قرمز در تره‌نگ شرقی ما فراوان یافت می‌شوند و باز همه حق دارند در مورد داسانهایی که از زندگی آنها نمی‌دانند نظر بدهند. کسانی که در وسط گود نیستند چه انسان قضاوت می‌کنند، می‌گویند چرا فلانی خودش را کشت، چه قدر بی‌عرضه بود، چرا عروس فلانی با مادر شوهرش چنین است و چنان است، چرا فلانی در مرکز شهر دست فروشی می‌کند آبرویمان رفت، چرا دختر فلانی دوست پسر دارد چه بی‌حیا؟ کاش این قضاوت خود را لحظه‌ای بجای محکومان خود قرار می‌دادند تا ببینند، خود چند مرده حلاجند؟ چه راحت سرها را بالای دار می‌بریم و چه راحت تر انگ رسوایی می‌زنیم.

مادر حسن کچل از کجا نان می‌خورد به ما چه؟ زن غلام طلاق گرفت به ما

چه؟ دختر مثنی رضا دکتر نشد و خواهر اصغر آقا شوهر نکرد باز به ما چه؟ اگر ما جای این آدمها بودیم چکار می کردیم؟ مشکلات خود ما چیست و مردم در مورد ما چه می گویند؟

هزاران فرمول بد بختی و خوشبختی در پیرامون ما وجود دارد و نسخه هرکس با دیگری متفاوت است. مهم آنست که بدانیم جبر و اختیار تواما در کنارمان است. مسیر کلی که همان رسیدن به کمال است جبری و دارای نوساناتی است که همان اختیار نامیده می شود. به عبارتی سرنوشت ما مانند طنابیست که از رشته های باریکتری ساخته شده است، رشته هایی از خیر و شر و این دست خودمان است که سر نخ چند رشته و با چه کیفیتی را به طرف خودمان بکشیم. گاهی رشته بی پدري در طناب سرنوشت اوست باید ایلاف تامین خانواده را به دندان بکشد و زنی که رشته ازدواج با مردکی معتاد را در ریشه سرنوشت خود دارد باید انتظار گرفتار شدن در تار عنکبوت طلاق را روزی بر خود ببیند. به راستی که رشته ها یکدیگر را می طلبند و ناگزیر از بعضی انتخابها هستیم، چه خود خواسته باشیم و چه ناخواسته باشد. پس در مسیر سخت روزگار به راحتی دیگران را انگ نمالیم و سرزنشان نکنیم که این روزگار بازیها خواهد داشت و شاید آنها خوشبختتر از ما باشند ولی نه آنها بدانند که خوشبخت تر از ما هستند و نه ما.

۱۲۰ ثانیه قرمز، سفری بی پروا به زیر پوست این شهر رنگارنگ است که در کنار تمام اشکها و لبخندهایش امید دارد نواقص حتمی آنرا بخیساید و در ارائه آثاری شایسته تر برای شما فرهیختگان یاری ام فرماید.

قاسم خوش سیما تابستان ۱۳۹۰